

نقش «پروژه‌های هنرمحور» در ترمیم عاطفی آسیب‌دیدگان بحران‌های طبیعی

(تحلیل روان‌شناختی پروژه‌های هنرمحور پس از حوادث آتش‌سوزی در استرالیا)

● فرزانه فرشیدنیک^۱

چکیده

وقوع بلایای طبیعی با تبعات منفی روانی برای بازماندگان همراه است؛ از این رو، مداخلات اصولی به منظور تسریع روند ترمیم روانی آنان ضروری است. بهره‌گیری از قابلیت‌های هنر نقشی مؤثر در کاستن آسیب‌های روانی وارد شده به جامعه دارد. هرچند کاربرد روان‌شناسانه هنر به شکل امروزی آن که نخستین بار «فروید» آن را ارائه کرد، به سرعت طی سی سال گذشته رشد کرده است؛ اما «پروژه‌های هنرمحور» مفهوم جدیدی است که در دو دهه گذشته در تعریف پروژه‌هایی بر اساس «رهبری هنری» و با در نظر گرفتن فرهنگ محلی، در راستای خلق تعامل مثبت و خلاقانه در جوامع آسیب‌دیده در مواجهه با بحران، به کار گرفته شده و برخلاف رویکرد سنتی که به استفاده از هنر در کاهش عوارض پس از سانحه محدود می‌شد، بر استفاده از ظرفیت‌های چندگانه هنر در مراحل مختلف پیش، هنگام و پس از وقوع بحران تأکید دارد. کشور استرالیا در سال‌های اخیر، هدفمند و مستمر، در اجرای پروژه‌های هنرمحور در مواجهه با بحران‌های طبیعی موفق عمل کرده و نتایج مطلوبی را به دست آورده است. این پژوهش کیفی، با مطالعه این پروژه‌ها به روش توصیفی تحلیلی، به دنبال کسب بینشی جدید در زمینه بهره‌مندی از هنر در کاهش آسیب‌های روانی ناشی از بحران‌های طبیعی است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، توجه نظام‌مند به نقش هنر در تمامی مراحل و در سطوح مختلف مدیریت بحران کشور و استفاده از مدیوم‌های مختلف هنری متناسب با بحران، ضمن در نظر گرفتن تفاوت‌های سنی و جنسی، نقشی چشمگیر در کاستن آسیب‌های روانی ناشی از بحران‌های طبیعی و ترمیم عاطفی بازماندگان حوادث دارد.

واژگان کلیدی

استرالیا، بحران‌های طبیعی، پروژه‌های هنرمحور، مدیریت بحران، هنردرمانی.

مقدمه

وقوع بحران‌های طبیعی ابعاد روانی گسترده‌ای برای قربانیان حادثه به همراه دارد و به اختلالات پس از سانحه منجر می‌شود. افسردگی، پرخاشگری، افزایش اضطراب، احساس طردشدگی، کمبود توجه، انزوا و... جزء اختلالات عمده روحی پس از حوادث و بلایای طبیعی است. تعداد کثیری از جمعیت جهان در معرض خطرهای ناشی از بحران‌های طبیعی هستند؛ لذا، شناخت تبعات روانی بلایای طبیعی و دستیابی به سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و مدیریت بهینه بحران در ترمیم عاطفی و روانی آسیب‌دیدگان ضروری است. برنامه‌های هنری و هنردرمانی همواره یکی از مؤثرترین ابزار در کاستن شدت آسیب‌های روحی و روانی واردشده به قربانیان حادثه و نیز بازسازی مجدد جامعه‌ای است که در اثر بحران از هم گسسته است. رویکرد جدید هنری در مواجهه با بحران که تحت عنوان «پروژه‌های هنرمحور»^۱ شناخته شده و در این مقاله بررسی شده است، شیوه نوینی است که طی دو دهه گذشته در کشورهای توسعه‌یافته مورد تجربه قرار گرفته است. در واقع، مبحث هنردرمانی با عناوینی چون «کاتارسیس» و «پالایش روانی» از صدها سال قبل مطرح شده و کاربرد روان‌شناسانه هنر به شکل امروزی آن را نیز نخستین بار زیگموند فروید ارائه کرده و به سرعت طی سی سال گذشته رشد کرده و شاخه‌های مختلف هنری را در بر گرفته است. «پروژه‌های هنرمحور» مفهوم جدیدی است که در سالیان اخیر به پروژه‌هایی اطلاق شده که ویژگی اصلی آن‌ها «رهبری هنری» با در نظر گرفتن فرهنگ محلی و در جهت خلق تعامل مثبت و خلاقانه در جوامع آسیب‌دیده در روند بهبود، بازسازی و نوسازی پس از فاجعه است و برخلاف رویکرد سنتی استفاده از هنر پس از بحران که به استفاده از هنردرمانی به منظور کاهش عوارض پس از سانحه محدود می‌شد، این رویکرد جدید نحوه مواجهه با بحران و فرایند بازسازی پس‌بحران را به طور کلی تغییر داده است. قدرت هنرها در التیام روحی آسیب‌دیدگان حوادث طبیعی افزایش یافته و برای نخستین بار هنرها، در کنار سایر رویه‌های ضروری خدمات اضطراری پس از حادثه و در سیستم کلان مدیریت بحران، از سوی دولت به طور جدی در نظر گرفته شده و استفاده از ظرفیت‌های چندگانه هنر در مراحل مختلف پیش، هنگام و پس از وقوع بحران از اولویت‌های مدیریتی در بحران محسوب می‌شود. در این زمینه، مطالعه تجارب کشورهای توسعه‌یافته‌ای که در سال‌های اخیر با انواع بحران‌های طبیعی مواجهه کرده و این رویکرد را در مواجهه با بحران به تجربه گذاشته‌اند و بهره‌گیری از نتایج آن تجارب در روند مدیریت پس‌بحران در کشورهای دیگر می‌تواند راهگشا باشد. یکی از مهم‌ترین این

کشورها استرالیا است که در سالیان اخیر با انواع مختلف بحران‌های طبیعی مواجه بوده و «پروژه‌های هنرمحور» را در مواجهه با این بحران‌ها به کار گرفته است. این پژوهش با هدف کسب بینشی جدید در بهره‌مندی از هنر در قالب «پروژه‌های هنرمحور» به منظور کاهش آسیب‌های روانی ناشی از بحران‌های طبیعی و در پاسخ به این پرسش صورت گرفته است:

تجارب کشور استرالیا در استفاده از پروژه‌های هنرمحور در دو دهه اخیر چگونه به ترمیم عاطفی آسیب‌دیدگان بحران‌های طبیعی منجر شده است؟

در بیان مسئله و ضرورت پژوهش، باید گفت که وقوع بحران‌های طبیعی در دهه‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشته؛ به گونه‌ای که تنها سال ۲۰۱۷، ۴۴۵ میلیون نفر در سرتاسر جهان به سبب حوادث طبیعی از قبیل سیل، طوفان، زمین‌لرزه و خشک‌سالی متضرر شدند و ۸ هزار نفر نیز جان خود را از دست دادند.^۱ عدم برنامه‌ریزی مناسب برای مقابله با تبعات منفی روانی و عاطفی بحران‌ها به افزایش خسارات معنوی ناشی از آن منجر می‌شود که گاه به مراتب زیان‌بارتر از ابعاد اقتصادی و جانی فاجعه است. در این هنگام، مداخله مناسب، اصولی و به موقع روانی از آسیب‌های احتمالی آینده جلوگیری می‌کند و توجه به نیازهای روانی و عاطفی بازماندگان به روند ترمیم و بازسازی فرد و جامعه سرعت می‌بخشد. در این میان، هنر و برنامه‌های هنردرمانی نقشی انکارناپذیر دارند. هنر، به مثابه ابزاری کارآمد و تأثیرگذار، جایگاهی مؤثر در تسریع روند بهبود قربانیان حادثه و بازگشت آنان به حالت پایدار بر عهده دارد و همچنین، با توجه به ضریب نفوذ گسترده در میان مردم، می‌تواند نقشی اساسی در کاهش آسیب‌های حوادث طبیعی ایفا کند. هنر هم در مرحله پیش و هم پس از بحران قادر به نقش‌آفرینی است. در مرحله پیش از بحران، با استفاده از قابلیت‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی هنر در انتقال مفاهیم و در مرحله پس از بحران، با کمک به آسیب‌دیدگان از طریق اجرای برنامه‌های هنری هدفمند که در این پژوهش تحت عنوان «پروژه‌های هنرمحور» نام برده شده است، می‌توان از ظرفیت‌های هنر بهره گرفت. این در حالی است که در سال‌های اخیر و در بحران‌های پیش‌آمده در ایران، این توانمندی ویژه هنر نادیده گرفته شده یا توجه به آن بسیار کم‌رنگ بوده است.

این مهم در بسیاری از کشورها، از جمله استرالیا، در قالب پروژه‌های هنرمحور پس از حوادث طبیعی تجربه شده است. این کشور در دو دهه اخیر با حوادث طبیعی گوناگونی مواجه بوده و تجارب متنوعی را در چارچوبی منسجم در زمینه بهره‌مندی از هنر در مواجهه با

1. <http://mehrnews.com/xHVzs>

بحران‌های طبیعی کسب کرده است. استرالیا، طی سالیان اخیر، هدفمند و مستمر، رویکردی نوین را در بهره‌گیری از «پروژه‌های هنرمحور» در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از بحران‌های طبیعی برنامه‌ریزی و هدایت کرده که نتایج چشمگیری در پی داشته است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای دیگر، از جمله ایران، به سبب نبود پژوهش‌های کافی در این زمینه، قابلیت‌های ویژه هنری در ترمیم عاطفی جامعه پس از بحران مورد کم‌توجهی واقع شده است. قطعاً مطالعه تجارب این کشور می‌تواند زمینه‌ساز کسب بینشی نوین در بهره‌گیری از هنر در مواجهه با بحران‌های طبیعی شود.

این پژوهش به دنبال آن است که با نمونه‌گیری موردی و با مطالعه و تحلیل تجارب کشور استرالیا در اجرای این برنامه‌های هنرمحور پس از بحران‌های «آتش‌سوزی» (که از جمله بلایایی است که در سال‌های اخیر به‌کرات در این کشور رخ داده است) و از طریق توصیف چگونگی اجرای این پروژه‌ها و تحلیل ابعاد روان‌شناختی آن‌ها، ضمن شناسایی جایگاه بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی در اجرای این برنامه‌ها و مطالعه تنوع و نحوه استفاده از مدیوم‌های مختلف هنری در مواجهه با «یک بحران خاص»، بینشی جدید در زمینه استفاده از هنر در مواجهه با بحران‌های طبیعی فراهم آورد تا در دیگر کشورها، از جمله ایران، نیز در هنگام بروز حوادث طبیعی قابل استفاده باشد.

پیشینه پژوهش

علی‌رغم آنکه استفاده از هنر در کاهش آسیب‌های روحی و اجتماعی پیشینه‌ای طولانی دارد؛ اما بهره‌گیری از «پروژه‌های هنرمحور» و مدیریت منسجم و نظام‌مند آن پس از بحران‌های طبیعی رویکرد نوینی است که به‌ویژه در دو دهه اخیر و در کشورهای توسعه‌یافته مورد تجربه و بهره‌برداری قرار گرفته است. لذا، این رویکرد در کشورهای توسعه‌یافته نیز موضوعی کمابیش تازه است.

در این قسمت، نخست پژوهش‌هایی که از نظر موضوعی ارتباط میان هنر و بحران را مطالعه کرده‌اند معرفی شده و پس از آن، پیشینه پژوهش در زمینه هنردرمانی و بهره‌گیری از هنر در درمان اختلالات روانی برای ارائه دیدگاه کلی در زمینه گستره مرتبط با اهداف این پژوهش معرفی شده است. در پیشینه مطالعات داخلی مرتبط با حوزه هنر و بحران، یعقوبی‌گرچی در بررسی نقش گرافیک در شرایط بحرانی به بررسی نقش گرافیک اطلاع‌رسان در افزایش آگاهی افراد در زمان وقوع حادثه و جایگاه عناصر گرافیکی و نمادها و نشانه‌هایی نظیر پیکتوگرام^۱ در شرایط بحرانی پرداخته است. این پژوهش بهره‌گیری از هنر گرافیک در

1. Pictogramme

جهت اطلاع‌رسانی و صرفاً در زمان وقوع بحران را بررسی کرده و به نقش هنر پس از وقوع حادثه پرداخته است. عبداللهی در معماری مقوایی، گستره‌ای از کارتن‌خوابی تا اسکان پس از بحران به بررسی امکان طراحی و ساخت بناهایی به منظور اسکان آسیب‌دیدگان حوادث پرداخته است. تأکید پژوهش مذکور نیز بر جنبه کاربردی و تأمین نیازهای اولیه آسیب‌دیدگان به سرپناه (و صرفاً پس از بحران زلزله) متمرکز شده است. در دیگر کشورها اما مقالاتی با رویکرد بررسی نقش هنر پس از بحران در سال‌های اخیر به رشته تحریر درآمده است. نشریه نچرال هازارد^۲، سال ۲۰۱۵، شماره ششم از دوره ۳۹ خود را به بررسی هنر و بلایای طبیعی اختصاص داده و نقش درمانگری هنر و اهمیت بیان هنری در روند هنردرمانی را پس از بحران‌های طبیعی مورد بررسی قرار داده است. مقاله اور آبا عنوان «هنردرمانی با کودکان بعد از فاجعه»^۳ معطوف به بررسی تأثیر هنر در کار با کودکان پس از یک فاجعه بوده و ارتباطات هنردرمانی در شرایط بحرانی را در دو بازه کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت توصیف کرده است و اشاره کرده که لازم است در این زمینه افرادی قوی، مدبر، دلسوز و مقاوم به‌عنوان هنردرمانگر به کار بپردازند. لوین^۴ در کتاب هنر در عمل: هنردرمانی و تغییرات اجتماعی^۵ به این موضوع می‌پردازد که چگونه می‌توان از اصول و عملکرد هنرهای نمایشی که ارتباطی تنگاتنگ با حوزه تحولات هنردرمانی دارد، برای الهام‌بخشی به قربانیان آسیب‌دیده از بلایای طبیعی، جنگ و فقر بهره برد. آدانامز جونز^۶ در کتاب آفرینش هنری با پناهندگان و بازماندگان: پاسخ‌های خلاق به تروما پس از بلایای طبیعی، جنگ و سایر بحران‌ها^۷ به این موضوع پرداخته که چگونه هنردرمانی به افراد بازمانده از بلایای طبیعی یا انسانی کمک می‌کند تا صدای خود را بیابند و داستان‌های خود را روایت کنند. جامعه مورد مطالعه در این کتاب طیف وسیعی از بازماندگان بحران‌های مختلف از بلایای طبیعی تا جنگ و بیماری‌های مسری را در کشورهای مختلف در بر می‌گیرد. ماچ و لاتایی^۸ در مقاله «خلاقیت فراتر از برنامه رسمی: مداخلات هنری در درمان»^۹، بر اساس مطالعه دو نمونه موردی شامل زمین‌لرزه‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱ نیوزیلند و سونامی ۲۰۰۹ در جزایر

1. Natural Hazards

2. Orr

3. 'Art Therapy With Children After A Disaste'

4. Levine

5. Art In Action: Expressive Arts Therapy And Social Change

6. Adnams Jones

7. Art-Making With Refugees And Survivors: Creative And Transformative Responses To Trauma After Natural Disasters, War And Other Crises

8. Mutch & Latai

9. 'Creativity Beyond The Formal Curriculum: Arts - Based Interventions In Post -Disaster Trauma Settings'

ساموآ، تجارب دو مربی در کار با مدارس و مشارکت کودکان در فعالیت‌های هنری پس از بلایای طبیعی را مطالعه می‌کنند. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که استفاده از هنر به تسریع روند درک کودکان از وقایع و پردازش سانحه کمک می‌کند. مور^۲ در مقاله «رشد پسابحران در جوانان بازمانده از بحران: یک پروژه پژوهشی هنرمنا»^۳ که بر پژوهش‌های انجام‌گرفته بر گروهی از جوانان بازمانده از زلزله سال ۲۰۰۷ در منطقه ایکا واقع در کشور پرو مبتنی است، نحوه درک جوانان از رشد پس از سانحه و استفاده از هنر در نسبت‌دادن معنا به تجارب آسیب‌زا را بررسی می‌کند و نقش هنر در افزایش شادی و میل به بقا و احساس هدف در زندگی را نشان می‌دهد.

پژوهش پیش‌رو به لحاظ ابعاد، اهداف و روش از پژوهش‌هایی که در بخش پیشینه معرفی شدند متمایز است. پژوهش‌های مذکور دامنه گسترده‌ای از بحران‌ها - اعم از طبیعی و غیرطبیعی همچون جنگ، بحران پناهندگان و غیره - را در کشورها و مناطق مختلف در بر می‌گیرند و به‌طور خاص بر بحران‌های طبیعی متمرکز نیستند. همچنین، این پژوهش‌ها عمدتاً گروه سنی کودک و نوجوان را به‌عنوان جامعه پژوهش خود مطالعه کرده‌اند و رویکرد سنتی استفاده از هنر در مواجهه با بحران را که تحت عنوان هنردرمانی شناخته می‌شود، بررسی کرده‌اند. هنردرمانی به درمان گسترده و وسیعی از اختلالات روانی همچون افسردگی، بیش‌فعالی، اضطراب، پرخاشگری و...، صرف‌نظر از اینکه ناشی از بحران‌های طبیعی باشد یا زمینه فردی یا خانوادگی داشته باشد، می‌پردازد.

جنبه نوآوری این پژوهش تمرکز بر شناخت و مقایسه «پروژه‌های هنرمحور» (در گستره وسیع آن شامل نقاشی، موسیقی، نمایش و...) است که صرفاً در مواجهه با بحران‌های طبیعی مورد استفاده قرار می‌گیرند و چنان‌که در مقدمه اشاره شد، رویکردی نوین با تعریف ویژگی‌هایی منحصر به فرد است. همچنین در این پژوهش، به جای تمرکز صرف بر روی یک مدیوم خاص، به استفاده از مدیوم‌های متفاوت و متنوع هنری و تنوع شیوه‌ها در پاسخ به نیازهای روانی آسیب‌دیدگان حوادث طبیعی پرداخته شده و دامنه گسترده بحران‌های متنوع طبیعی نیز به بحران آتش‌سوزی که از حوادث طبیعی غالب در کشور استرالیاست، محدود شده تا تنوع «پروژه‌های هنرمحور» اجرا شده در مواجهه با یک نوع بحران خاص و تناسب انتخاب مدیوم با بحران ایجاد شده و تبعات آن بهتر آشکار شود. علاوه بر آن، جامعه مورد مطالعه تمامی گروه‌های سنی و جنسی را در بر می‌گیرد و به گروه سنی کودکان و نوجوانان

1. Samoa

2. Mohr

3. 'Posttraumatic Growth In Youth Survivors Of A Disaster: An Arts -Based Research Project'

محدود نشده است.

روش پژوهش پیش رو کیفی و توصیفی تحلیلی و نمونه‌گیری آن موردی و هدفمند است. جامعه مورد مطالعه پژوهش شامل برنامه‌های هنرمحور اجرا شده در مواجهه با بحران‌های طبیعی در دهه اخیر در استرالیا است. استرالیا در رده بلاخیزترین کشورهای جهان قرار دارد که با بحران‌های طبیعی متعددی نظیر آتش‌سوزی جنگل‌ها، طوفان، سیل و... مواجه بوده است و از سوی دیگر، دارای ویژگی‌های توسعه‌یافتگی است که از پیش‌نیازهای اجرای برنامه‌های هنری موفق پس از بحران‌های طبیعی است. از میان بحران‌های مختلفی که در سال‌های اخیر در استرالیا به وقوع پیوسته است بحران آتش‌سوزی یکی از مهم‌ترین و آسیب‌زاترین حوادث طبیعی بوده است. یکی از مهم‌ترین این آتش‌سوزی‌ها موسوم به «شنبه سیاه» سال ۲۰۰۹ رخ داد که در رده عظیم‌ترین بحران‌های دو دهه اخیر این کشور قرار دارد و به‌رغم بحران‌های متعددی که پس از آن رخ داده، همچنان تا به امروز از نظر میزان تلفات و خسارات رکورد گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. به همین علت، پروژه‌های هنرمحور اجرا شده در جهت کاهش تبعات منفی این حادثه به سبب بررسی نقش آن در تسریع روند بهبود روانی آسیب‌دیدگان و نیز آموزش خلاق نحوه مواجهه با آن به‌عنوان نمونه موردی در این مقاله مطالعه شده است.

مبانی نظری پژوهش

تعاریف متفاوتی از چارچوب نظری موجود است؛ اما به‌طور کلی، طرح یا چارچوب نظری مجموعه‌ای نظام‌مند از فرضیه‌های تجربه‌شده و تعمیم‌یافته در زمینه موضوع پژوهش است که پایه و پشتوانه تحلیل‌ها و شکل استدلال‌های پژوهشگر را در یک طرح پژوهشی تشکیل می‌دهد و پژوهشگر تلاش می‌کند، در خلال تحلیل داده‌های خود، مصادیق جدیدی برای آن فرضیه‌های کلی ارائه کند؛ به عبارت دیگر، کار پژوهشگر در زمینه چارچوب نظری گزینش شده تطبیق آن به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد کلی و منسجم بر مصادیق جدید است (دیوان‌پور، ۱۳۹۵). مهم‌ترین کارکرد چارچوب نظری این است که به پژوهش جهت می‌بخشد تا بدین وسیله راهنمای نظری پژوهش خود را تهیه کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

در این قسمت، پس از تعریف مفهوم سلامت روانی، یکی از نظریات موجود در زمینه دسته‌بندی مراحل مختلف واکنش آسیب‌دیدگان بلایا معرفی شده و سپس علائم اختلال استرس پس از سانحه^۱ که رایج‌ترین مشکل بازماندگان حوادث است، بررسی شده است. در قسمت تحلیل داده‌های پژوهش، جدول ارائه‌شده بر اساس دیدگاه‌های ارن ریش و

1. Posttraumatic Stress Disorder (PTSD)

هک‌گواید در خصوص علائم اختلال استرس پس از سانحه مورد استفاده قرار گرفته است. «سلامت روانی در واقع جنبه‌ای از مفهوم کلی سلامت است. مفهوم «بهداشت روانی» اولین بار در سال ۱۹۵۰ پدیدار گشت. سازمان بهداشت جهانی سلامت روانی را در مفهوم کلی توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی، روانی و جسمی تعریف می‌کند و آن را قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی به طور منطقی و مناسب عنوان می‌کند که شامل سازگاری مداوم با شرایط متغیر و الزامات محیط در حال تغییر است. ویژگی افراد دارای سلامت روانی شامل تسلط بر محیط، درک واقعیات، یگانگی، استقلال، رشد و نگرش مثبت به خود برشمرده شده است و فردی که از سلامت روانی بالایی برخوردار است از اضطراب و علائم ناتوانی به دور است و به شکلی مناسب قادر به مقابله با فشارهای زندگی است.» (عینعلی، عینعلی، عسکری و باقری یزدی، ۱۳۹۵) بر اساس مطالعات روان‌شناختی، بازماندگان بلاای طبیعی با عوارض روحی متعدد و اختلال پس از سانحه مواجه می‌شوند که سلامت روانی آنان را دچار مشکل می‌کند و گاه تأثیرات آن تا سال‌ها پس از وقوع حادثه در زندگی فردی و روابط اجتماعی آنان باقی می‌ماند. واکنش آسیب‌دیدگان فجایع و بلاها به مراحل مختلفی تقسیم‌بندی می‌شود. دسته‌بندی‌های متفاوتی از این مراحل ارائه شده است. در این مقاله، از یک نمونه از این دسته‌بندی‌ها برای شناخت بهتر وضعیت روحی قربانیان حادثه و ورود به موقع و مؤثر هنردرمانگران به مناطق آسیب‌دیده به منظور مواجهه صحیح با بحران استفاده شده است. باقری یزدی و براتی چهار مرحله را برای قربانیان حادثه برشمرده‌اند:

۱. ضربه (شوک)؛ ۲. واکنش؛ ۳. تطابق و ۴. بازیابی (۱۳۸۲: ۸۷۶-۸۷۷). «مطالعات نشان داده که در اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) ممکن است در بازماندگان ضربه‌های شدید، تکراری و طولانی مدت با نشانگان پیچیده‌تری مشاهده گردد.» (شریفی، ۱۳۸۲: ۲۱۲۰) در جدول ۱ علائم اختلال استرس پس از سانحه بر اساس دیدگاه‌های ارن ریش و هک‌گواید نشان داده شده است.

جدول ۱. علائم اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) بر اساس دیدگاه‌های ارن ریش و هک‌گواید (شریفی، ۱۳۸۲)

۱	غم، غصه، افسردگی، ناامیدی و یأس	۱۳	عوارض جسمی، سردرد، لرزش، تغییر حساسیت حواس
۲	تحریک‌پذیری، خصومت، خشم	۱۴	افکار مزاحم، خاطرات، احساس تجربه مجدد همراه با اضطراب
۳	بی‌قراری	۱۵	اجتناب از فکرکردن درباره یادآوری حادثه
۴	مشکل در تمرکز حواس، از دست رفتن حافظه	۱۶	افزایش تعارضات زناشویی
۵	ددمی مزاج‌بودن، فوران ناگهانی هیجان	۱۷	افزایش مصرف مواد
۶	وابستگی، چسبندگی به دیگران یا انزواگزینی	۱۸	مشکلات شناختی، کندشدن تفکر و...
۷	گیجی و از دست دادن جهت‌یابی (تشخیص زمان و مکان)	۱۹	اشکال در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی
۸	احساس آسیب‌پذیربودن و درماندگی	۲۰	احساس انزوا، رها و ترک‌شدن از سوی دیگران
۹	خشکی و انعطاف‌ناپذیری یا تردید و دوگانه‌گرایی	۲۱	احساس ناکارآمدی، شرم و ناامیدی
۱۰	اضطراب، تنش، عصبانیت، نگرانی و به‌سادگی ترسیدن	۲۲	رفتار خودتخریبی و تکانشی
۱۱	سوءظن و بدبینی، ترس از صدمه دیدن	۲۳	افکار خودکشی و اشتغال ذهنی به مرگ
۱۲	آشفته‌گی در خواب، بی‌خوابی، خواب بد دیدن، کابوس	۲۴	تجربه از هم‌گسیختگی، احساس فاصله‌گیری از واقعیت

آسیب‌پذیری بازماندگان این نکته را ضروری می‌کند که امدادگران باید از تجارب و دانش کافی برای ارائه کمک‌های روان‌شناختی از جمله «هنردرمانی» به آسیب‌دیدگان برخوردار باشند. ارائه خدمات مناسب روان‌شناسی، از جمله هنردرمانگری، مستلزم شناخت درست ماهیت بلايا و پیامدهای آن است. در این زمینه، اصول مداخله روانی در بحران شامل شناخت مراحل مختلف واکنش‌های قربانیان پس از فاجعه و همچنین دسته‌بندی قربانیان و شناخت تفاوت‌های سنی و جنسی و... ضروری است. «بی‌توجهی به اصول مداخله در بحران به‌کارگیری هر روش درمانی را نه تنها بی‌اثر، بلکه حتی آسیب‌زا می‌کند.» (عینعلی و همکاران، ۱۳۹۵) رعایت این اصول و محورها برای ثمربخش بودن هر نوع مداخله روانی، از جمله بهره‌مندی از پروژه‌های هنرمحور، در مناطق آسیب‌دیده ضروری است.

پروژه‌های هنرمحور در استرالیا

استرالیا در دو دهه اخیر یکی از موفق‌ترین تجارب را در اجرای پروژه‌های هنرمحور در مواجهه با بحران و همچنین سازمان‌دهی افراد و گروه‌های مختلف در سازمان‌های دولتی و غیردولتی و مردم‌نهاد و... داشته است؛ به‌گونه‌ای که سایر کشورهای توسعه‌یافته، از جمله آمریکا، از آن الگوبرداری کرده‌اند.

به گفته جسیکا کوزیک^۱، مدیر سازمان آمادگی اضطراری سانتا مونیکا^۲ در آمریکا (سال ۲۰۱۲)، گرد هم آوردن برنامه‌ریزی شده هنرمندان در برنامه‌های مواجهه با بحران که هنوز یک ایده اولیه و در ابتدای راه بود، در استرالیا به تجربه درآمده بود. این برنامه‌ها که از سال ۲۰۰۹ و پس از آتش‌سوزی شبیه سیاه در این کشور آغاز شده بود، پس از طوفان ویرانگر و سیل عظیم کوئینزلند سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ استرالیا نیز ادامه یافت و هنرمندان و دیگر متخصصان هنر با همکاری سازمان‌های هنری ایالتی و دولتی و ملی، با ایجاد طرح راهبردی آزمایشی برای دریافتن چگونگی کمک و مشارکت هنرمندان در بحران‌ها و اینکه چگونه هنر می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای ضروری پس از بحران مورد توجه قرارگیرد، گام‌هایی اساسی برداشتند. در این هنگام، یک شرکت بیمه صندوق حمایت از بحران را تأسیس کرد و گروهی از سازمان‌های هنری محلی که برای اجرای پروژه‌های هنری در مواجهه با بحران به حمایت مالی نیاز داشتند به آژانس هنرهای ایالتی کوئینزلند^۳ مراجعه کردند. هم‌زمان، این آژانس گفت‌وگوهایی را با اعضای نهاد ملی حمایت از هنر^۴ و شورای استرالیا درباره راه‌های مؤثر بودن سازمان‌های هنری در بازسازی پس از بحران‌های طبیعی ادامه داد و این برنامه‌ها را تقویت کرد. (Spayde, 2012)

آنچه در این پژوهش تحت عنوان پروژه‌های هنرمحور به کار برده شده شامل برنامه‌های هنری پس‌بحران است. اهداف اصلی این پروژه‌ها عبارت‌اند از: کمک به افراد در ایجاد مهارت‌های جدید شخصی و خلاقانه؛ استفاده از مديوم‌های متنوع هنری در تناسب با بحرانی که به وقوع پیوسته و با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و محلی برای خلق احساس مشترک امید و خوش‌بینی؛ کاهش احساس انزوا؛ اتصال مجدد جوامع قدیمی؛ تقویت ارتباط افراد با مکان؛ و فراهم آوردن فرصتی برای تأمل و بزرگداشت با بهره‌گیری از شیوه‌های خلاق هنری.

یکی از نکات تأمل‌برانگیز در خصوص نحوه مواجهه با بحران در استرالیا و برنامه‌ریزی پروژه‌های هنرمحور این است که سطوح مختلف سازمانی در ساختار مدیریت بحران در

1. Jessica Cusick
2. Santa Monica's Emergency Preparedness
3. Arts Queensland Agency
4. National Art-Support

نقش «پروژه‌های هنرمحور» در ترمیم عاطفی آسیب‌دیدگان بحران‌های طبیعی ۱

سطوح ملی (فدرال)، ایالتی و حوزه‌ها (ناحیه‌ها) تعریف شده و نقش شهروندان و سازمان‌های غیردولتی نیز در آن دیده شده است. سازمان شرایط اضطراری استرالیا^۱ زیر نظر نخست‌وزیر این کشور به فعالیت در این زمینه می‌پردازد (محبی‌فر و آصف‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۰، ۵۱). سطوح سازمانی مدیریت بلایا در استرالیا به اختصار در جدول ۲ ذکر شده است.

جدول ۲. ساختار مواجهه با بلایا در استرالیا (منبع: کریمی‌صحنه‌سرایبی، ۱۳۹۴)

نام سازمان / سال تأسیس	سطوح سازمانی	مقام مسئول	سازمان‌های مسئول
AEM سازمان شرایط اضطراری استرالیا/۱۹۹۱	ملی	نخست‌وزیر	- پلیس - آتش‌نشانی - مراکز درمانی - واحدهای بومی
	ایالتی	سازمان مدیریت عمران	
	ناحیه‌ای	شورای شهر	
	شهروندان	مستقل یا در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد	

از جمله مهم‌ترین و مخرب‌ترین و عظیم‌ترین حوادث طبیعی که در دو دهه گذشته در استرالیا رخ داده باید به حوادث آتش‌سوزی‌های گسترده شهرها و جنگل‌ها اشاره کرد. لذا، در ادامه، یکی از مهم‌ترین حوادث آتش‌سوزی در این کشور که به آتش‌سوزی شنبه سیاه موسوم است به اختصار معرفی شده و سپس، بعضی از مهم‌ترین تجارب پروژه‌های هنرمحور که در مواجهه با این بحران‌ها (که در چهار مورد پس از حادثه با رویکرد کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی و در نمونه آخر پیش از حادثه و با رویکرد آموزشی و کاهش اضطراب) به اجرا درآمده و در نسبت پروژه با ملاحظات روان‌شناختی تحلیل شده است.

آتش‌سوزی شنبه سیاه^۲

این آتش‌سوزی سلسله‌ای از آتش‌سوزی‌ها بود که از روز ۷ فوریه ۲۰۰۹ آغاز شد و تا ۱۴ مارس همان سال ادامه داشت و به سبب اینکه در روز شنبه آغاز شد، به آن شنبه سیاه می‌گویند. این فاجعه که در ایالت ویکتوریای استرالیا رخ داد، بدترین حادثه آتش‌سوزی استرالیا بوده و بیشترین تعداد کشته را در میان آتش‌سوزی‌های تاریخ استرالیا به نام خود ثبت کرده است. تصویر ۱ نقشه مناطق آسیب‌دیده، تعداد تلفات در هر منطقه و ویرانه‌های باقی‌مانده پس از این آتش‌سوزی را در شهر مریسویل^۳ که خسارت زیادی را در این حادثه متحمل شد، نشان

1. Australian Emergency Management (AEM)

2. Black Saturday Bushfire

3. Marysville

می‌دهد. در این حادثه، ۱۷۳ نفر کشته و ۴۱۴ نفر زخمی شدند^۱ و نزدیک به ۳۵۰۰ ساختمان در ده‌ها شهر ویران شد و بسیاری از حیوانات بومی در جنگل‌های استرالیا که مساحت آن حدود یک میلیون و ۱۰۰ جریب بود، کشته شدند.^۲



تصویر ۱. سمت راست: نقشه مناطق آسیب‌دیده و تعداد تلفات ۳ سمت چپ: تصویری از شهر مریسویل پس از آتش‌سوزی ۴

این حادثه، ضمن به بار آوردن خسارات مالی و جانی گسترده، تأثیرات فراوان و طولانی‌مدتی بر روحیه و سلامت روانی افراد ساکن در مناطق آسیب‌دیده گذاشت. در مواجهه با تبعات عاطفی و روانی این حادثه، پروژه‌های هنری مختلفی به منظور ترمیم روحیه قربانیان حادثه و بازگرداندن

1. https://en.wikipedia.org/wiki/Black_Saturday_bushfires
2. <https://www.nma.gov.au/defining-moments/resources/black-saturday-bushfires>
3. https://en.wikipedia.org/wiki/Black_Saturday_bushfires
4. <https://www.theage.com.au/national/victoria/from-the-archives-2009-marysville-decimated-in-black-saturday-fires-20200129-p53vr1.html>

آن‌ها به جامعه و زندگی عادی در استرالیا اجرا شد که به تفکیک در ادامه معرفی شده است.

پروژه معرق‌کاری صندوق‌های نامه پس از آتش‌سوزی شنبه سیاه

پروژه «صندوق‌های نامه موزاییکی در شهر استراتون»^۱ در ویکتوریای استرالیا اجرا شد. در این پروژه، ۳۰ زن محلی برای ساکنان‌ی که خانه‌هایشان در آتش‌سوزی شنبه سیاه ویران شده بود صندوق‌های نامه موزاییکی ساختند و محل ساخت خانه‌های جدید در شهر با این صندوق‌های زیبا و آثار هنری مشخص شد. این پروژه آگوست ۲۰۱۰ (سه ماه پس از آتش‌سوزی‌های ۷ فوریه ۲۰۰۹ که باعث نابودی شهر استراتون شد) آغاز شد. در این حادثه ۸۰ خانه ویران شد. پس از این حادثه، ماریون اوکلی^۲، هنرمند موزاییک^۳ از اهالی استراتون، این امکان را فراهم کرد تا مردم شهر به بهانه ساخت این آثار هنری دور هم جمع شوند، با یکدیگر صحبت کنند، در کنار هم سوگواری کنند و حین ساخت صندوق‌های نامه جدید و یادگیری مهارت هنری استفاده از موزاییک معرق به تعامل بپردازند. به گفته اوکلی، صندوق‌های نامه موجود در این منطقه (تصویر ۲) جعبه‌هایی بی‌رنگ و معمولی بودند که او در راه ورود به استراتون از آن‌ها عکس گرفته بود. زمانی که اوکلی برای عکاسی از این صندوق‌های نامه توقف کرده بود، با دیدن این صحنه افسرده‌کننده، ایده ساخت صندوق‌های نامه جدید در ذهنش شکل گرفت (Fisher, 2019).



تصویر ۲. صندوق‌های نامه معمولی در شهر استراتون پیش از پروژه اوکلی ۴

1. Strathewen Mosaic Letter Boxes

2. Marion Oakley

۳. در ایران این هنر بیشتر به نام کاشی شکسته شناخته می‌شود.

4. <http://brokenplatemosaicbeltbuckles.com.au/tag/strathewen-mosaic-letter-box-project>

آنچه برای او اهمیت داشت این بود که با ساخت این جعبه‌های رنگین، مقداری رنگ به منظره سیاه شده از آتش‌سوزی برگردانده شود. ماریون اوکلی با دریافت کمک مالی از مؤسسه هنرهای منطقه‌ای ویکتوریا^۱ موفق شد یک گروه محلی تشکیل دهد. این مؤسسه که سازمانی مستقل و غیرانتفاعی است و بودجه آن از حق عضویت اعضا تأمین می‌شود، در طول پنج دهه فعالیت فرهنگی و هنری خود، در سراسر منطقه ویکتوریا اقدام به حمایت از برنامه‌های خلاقانه هنری و تقویت فعالیت‌های فرهنگی منطقه‌ای کرده است.^۲ «این گروه، با هدایت ماریون اوکلی، موفق شدند برای اعضای جامعه خود صندوق‌های نامۀ معرق موزاییکی بسازند. با نصب آن در محل خانه‌های از بین رفته، محل ساخت خانه‌های جدید با این صندوق‌های نامه علامت‌گذاری شد. این پروژه موفقیت بزرگی کسب کرد و از آنچه انتظار می‌رفت بزرگ‌تر شد و در نهایت، به عنوان یکی از نمونه‌های موردی در پروژه مطالعاتی ارزیابی برنامه‌های هنری بازبانی پس از آتش‌سوزی شنبه سیاه ارائه شد.»^۳ با گذشت زمان، افراد دیگری از خارج از جامعه شهر نیز به پروژه پیوستند تا در ساخت صندوق‌های نامۀ موزاییکی و بازسازی جامعه شهری استراتیون مشارکت کنند (Lisa, 2014). تصویر ۳ چند نمونه از صندوق‌های ساخته شده و تفاوتی را که در منظره شهری ایجاد کرده‌اند نشان می‌دهد.



1. Regional Arts Victoria
2. <http://www.rav.net.au/about/our-vision/>
3. <http://nsfconsulting.com.au/casestudy/the-letterbox-project/>



تصویر ۳. منظره رنگین ایجادشده با صندوق های نامه جدید در شهر استراتون^۱

درواقع، این گروه از خانواده های آسیب دیده از بحران آتش سوزی، با نصب و علامت گذاری محل ساخت خانه های جدید در شهر، به گونه ای نمادین خانه های خود را دوباره ساختند و از طریق برقراری تعاملی سازنده در جلسات هنری، موفق شدند مجدداً به جامعه بازگردند.

پروژه موسیقی «Pans on Fire»

منطقه مریسویل در ویکتوریا یکی از مناطقی بود که آسیب بسیاری از آتش سوزی شنبه سیاه دید. دست کم ۳۹ نفر از ساکنان این دهکده کوهستانی (معادل یک پنجم اهالی دهکده) جان خود را در این آتش سوزی از دست دادند و این منطقه، پس از آتش سوزی، به زمینی بایرو خاکستر مسطح تبدیل شد^۲ و آسیب های روحی فراوانی برای بازماندگان حادثه به دنبال داشت. در پی این حادثه، گروه مستقل نوازنده استیل پن^۳ محفلی را برای ملاقات هفتگی اعضای جامعه محلی فراهم کرد تا از این طریق، امکان یادگیری مهارت های جدید هنری و تشکیل مجدد اجتماع محلی را که در اثر فاجعه از هم پاشیده بود، فراهم آورد (Fisher, 2019). یکی از نکات جالب توجه در این پروژه ساخت سازها با استفاده از حداقل امکانات و شبکه های خالی بود. یکی از مهم ترین نیازهای این برنامه

1. <http://brokenplatemosaicbeltbuckles.com.au/tag/strathewen-mosaic-letter-box-project>

2. <https://www.theage.com.au/national/victoria/from-the-archives-2009-marysville-decimated-in-black-saturday-fires-20200129-p53vr1.html>

۳. «Steel Pan» یا «استیل درام» یک ابزار موسیقی است که از کشور ترینیداد و توباگو منشأ می گیرد و به نوازندگان آن پانیت گفته می شود. نمونه مدرن آن یک ساز کوبه ای کروماتیک است که با استفاده از یک جفت میله مستقیم که با لاستیک پوشانده شده نواخته می شود.

تهیه تعداد ساز کافی برای اجرا بود. این گروه، برای اجرای پروژه، ابتدا به دنبال سازهای دست دوم بودند، اما وقتی موفقیتی کسب نکردند، سرانجام تصمیم گرفتند که خودشان با استفاده از بشکه‌های صنعتی سازهای جدید بسازند. وقتی هدف پروژه خود را که کمک به آسیب دیدگان آتش سوزی بود، برای مؤسسه بسته بندی VIP (یکی از مؤسسات محلی) توضیح دادند، آن‌ها با اشتیاق کمک کردند و کارگران آن مؤسسات نیز داوطلبانه همراه شدند و در نهایت، یک دسته بشکه را که از هر دو انتها بسته بود و امکان ساخت دو درام از هر بشکه را می داد بدون هیچ هزینه‌ای به این گروه هدیه دادند. (تصویر ۴)



تصویر ۴. تصویری از بشکه‌های اهدایی شرکت محلی برای تهیه سازها

به تدریج و با اشتیاق و هیجان ساکنان محلی، گروهی تحت عنوان «Pans on Fire» شکل گرفت. تمرینات این گروه در فضای باز یا داخل سالن مستمر ادامه یافت. اواسط ژانویه، گروهی فعال و مشتاق شروع به شرکت در تمرین‌ها کردند. همه از یکدیگر پشتیبانی می‌کردند و اولین آهنگ این گروه اواخر ژانویه نواخته شد. در تصویر ۵، در سمت راست، یکی از اجراهای اولیه گروه نشان داده شده؛ و در شکل سمت چپ، تأثیر فعالیت گروه موسیقی بر روحیه ساکنان محلی مشهود است.

1. <http://www.trianglesteelbands.com/about-us/history-of-tcs.html>



تصویر ۵. اجرای اولیه گروه برای ساکنان محلی ۱

با ادامه یافتن فعالیت‌های گروه و با افزایش علاقه‌مندان به عضویت در گروه موسیقی، اوایل سال ۲۰۱۱، لیست انتظاری از افرادی که مشتاق پیوستن به گروه بودند شکل گرفت؛ بنابراین، گروه دیگری نیز تحت عنوان «Hot Pans» شکل گرفت و کار آموزشی گروه جدید دوباره از ابتدا آغاز شد. این بار نیز، بیشتر اعضا افرادی غیرحرفه‌ای در موسیقی بودند که از منطقه آتش‌سوزی آمده بودند. پس از هشت ماه تمرین، اولین اجرای آن‌ها به‌عنوان بخشی از اجرای «گروه بزرگ» در شب کالیپسو^۲ اکتبر ۲۰۱۱ برگزار شد. همچنین «از همان روزهای نخستین

1. <http://www.trianglesteelbands.com/about-us/history-of-tcs.html>

2. Calypso

آغاز کار، گروه موسیقی «مادران و فرزندان» بخشی از این برنامه بود. این گروه نیز سال ۲۰۱۱ تحت عنوان «Jammin» (تصویر ۶) انسجام بیشتری یافت و اولین کنسرت آنان در جشنواره «کارت ویلز»^۱ در الکساندرا در اکتبر ۲۰۱۱ بود.^۲



تصویر ۶. اجرای گروه «مادران و فرزندان»^۳

به طور کلی، مجموع این فعالیت‌های موسیقی با استقبال گسترده ساکنان محلی مواجه شد و موجب افزایش روحیه نشاط در میان ساکنان محلی شد. علاوه بر آن، استمرار طولانی مدت برنامه و در نظر گرفتن نیازهای گروه‌های سنی مختلف از طریق تشکیل گروه‌های مختلف نقش مهمی در اثربخشی این پروژه داشت.

پروژه یادبود درگذشتگان

«فوریه ۲۰۰۹، دولت استرالیا بودجه‌ای ۱۰ میلیون دلاری به منظور کمک به بازسازی، توسعه و بهبود آسیب‌های وارد شده بر جامعه پس از آتش‌سوزی‌های ویکتوریا، از جمله ساخت بناهای یادبود، در نظر گرفت.»^۴ این بناهای یادبود شامل دیوارهای یادبود، مجسمه‌ها، نقاشی‌های دیواری، باغ‌ها و پارک‌های یادبود، تابلوهای داستانی و... است که با هدف زنده نگاه داشتن یاد درگذشتگان و التیام بخشی به بازماندگان حادثه و کمک به روند بهبود عاطفی آنان صورت پذیرفت. در این قسمت، سه نمونه از این یادبودها معرفی شده است.

1. Cartwheels
2. <http://www.trianglesteelbands.com/about-us/history-of-tcs.html>
3. <http://www.trianglesteelbands.com/about-us/history-of-tcs.html>
4. <https://www.rdv.vic.gov.au/resources/2009-bushfire-memorials>

مجسمه درخت آهنگران: درخت آهنگران^۱ یک اثر ویژه از جامعه هنری آهنگران است که به‌عنوان هدیه‌ای به تمام آسیب‌دیدگان آتش‌سوزی‌های فوریه ۲۰۰۹ ساخته شد. ساخت این اثر ۵ سال به طول انجامید و نهایتاً ۱۴ فوریه ۲۰۱۴ به پایان رسید. در این پروژه، صدها آهنگر از ۲۰ کشور از سراسر جهان در ریخته‌گری و قالب‌گیری و ساخت برگ‌های این درخت شرکت کردند (Lisa, 2014). «این درخت ۱۰ متر ارتفاع دارد و از مس و فولاد ضدزنگ ساخته شده است و شبیه به درخت اکالیپتوس زیبایی که در اثر آتش مرده است به نظر می‌رسد و در هماهنگی کاملی با منظره‌ای که آن را احاطه کرده قرار گرفته است.»^۲ در تصویر ۷، نصب این بنا را می‌بینیم و در سمت چپ تصویر جزئیاتی از ساخت برگ‌های این درخت فلزی نشان داده شده است. هر برگ جداگانه طراحی و قالب‌گیری شده و سپس به مجموعه درخت لحیم شده و روی هر برگ نیز حکاکی‌هایی شده است.



تصویر ۷. بنای یادبود درخت آهنگران ۳

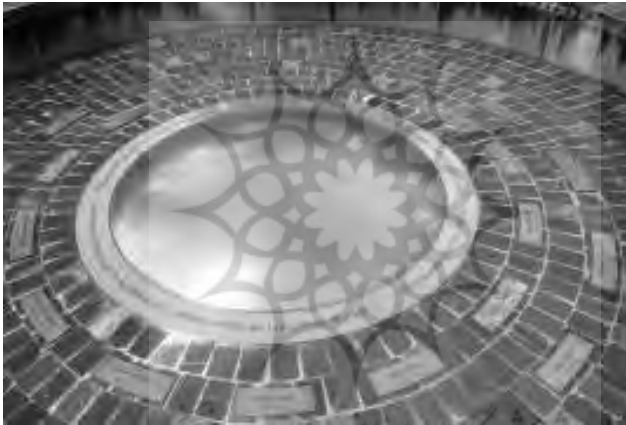
پارک یادبود درگذشتگان: «علاوه بر درخت یادشده، یک پارک یادبود نیز برای بزرگداشت ۲۳ تن از قربانیان آتش‌سوزی ۲۰۰۹ استراتون ساخته شد.» (Lisa, 2014) در یادمانی که در میان

1. Blacksmiths Tree

2. <https://monumentaustralia.org.au/themes/disaster/fire/display/101106-the-blacksmiths-tree>

3. <https://pickmyproject.vic.gov.au/rounds/pick-my-project/ideas/garden-at-the-blacksmiths-tree>

این پارک ساخته شده، نام این ۲۳ نفر بر سنگ‌ها حک شده است (تصویر ۸).



تصویر ۸. پارک یادبود قربانیان در استراتون^۱

دیوار یادبود درگذشتگان: در منطقهٔ ردسديل^۲ ویکتوریا، یک هنرمند موزاییکی با همراهی ساکنان محلی اقدام به ساخت دیوار یادبود کرد. «طول این دیوار ۱۱ متر است و با استفاده از اجسام و اشیای خانه‌هایی ساخته شد که در آتش‌سوزی شنبهٔ سیاه از بین رفته یا آسیب دیده بودند. این دیوار که برای احترام و همدلی با کسانی که جان یا دارایی خود را در این واقعه از دست داده بودند ساخته شد، امروزه به بنای یادبود محلی برای جامعه تبدیل شده است.» (Fisher, 2019)

1. <http://brokenplatemosaicbeltbuckles.com.au/tag/strathewen-mosaic-letter-box-project>

2. Redesdale

پروژه آموزش هشدارهای هواشناسی مربوط به آتش‌سوزی

کشور استرالیا، به سبب شرایط اقلیمی، همواره با احتمال خطر وقوع آتش‌سوزی‌های گسترده در اثر تغییرات دما مواجه است. لذا، اجرای پروژه‌های آموزشی به منظور مواجهه صحیح با بحران و کاهش اضطراب، از جمله آموزش هشدارهای هواشناسی به کودکان و بزرگسالان، ضروری است. یکی از مهم‌ترین این پروژه‌ها «پروژه آموزش هشدارهای هواشناسی با هدف مواجهه مناسب با بحران آتش‌سوزی» (در شهر استراتون) بود. برخلاف چهار نمونه پیشین که با رویکرد کاهش آسیب پس از بحران به اجرا درآمدند، این پروژه از جمله پروژه‌های هنرمحور از نوع «پیش از بحران» بود که به صورت ناحیه‌ای و با توجه به نوع بحران طبیعی تهدیدکننده منطقه مورد نظر اجرا شد.

این برنامه پروژه خلاق آموزشی با هدف آماده‌سازی جامعه برای آتش‌سوزی است که در شهر استراتون و با حمایت مالی بنیاد نوسازی روستایی و منطقه‌ای^۱ اجرا شد که به اختصار FRRR یا F-triple-R نیز نامیده می‌شود؛ سازمانی غیرانتفاعی که نیازهای منطقه‌ای و روستایی را پاسخ می‌دهد و بخش عمده‌ای از فعالیت‌های آن در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه پس از بحران‌های طبیعی بوده است.^۲ «این پروژه آموزشی را که ساخت ویدئو انیمیشنی با موضوع «جلب توجه» و «ایجاد حساسیت» در افراد به هشدارهای هواشناسی به ویژه در هنگام افزایش دماست (که به افزایش امکان آتش‌سوزی منجر می‌شود)، دانش‌آموزان دبستان با همکاری آتش‌نشانی به منظور آموزش همه افراد جامعه و گروه‌های سنی اعم از کودکان و بزرگسالان طراحی کردند و ساختند»^۳ در این انیمیشن، هشدارهای هواشناسی و احتمال آتش‌سوزی در حالت‌های مختلف (کم، متوسط، زیاد، بسیار زیاد) نشان داده می‌شود و واکنشی که در هریک از این حالات از افراد جامعه انتظار می‌رود با نقاشی‌ها و ساخته‌های خمیری کودکان نشان داده می‌شود. برای مثال، همان‌گونه که در تصویر ۹ دیده می‌شود، در حالت احتمال کم یا متوسط^۴، کودکان بدون دغدغه در حال بازی هستند. در حالت احتمال بالا^۵، خورشید به شکلی ترسناک تصویر شده تا احتمال خطر را نشان دهد. در حالت احتمال خیلی زیاد^۶، کودکان در حال جمع‌کردن وسایل خود و قراردادن آن در خودرو هستند و سپس، به همراه خانواده شهر را موقتاً ترک می‌کنند و آتش‌نشانی با چهره‌ای خندان در حالت آماده‌باش به چشم می‌خورد.

درواقع در این پروژه، کودکان، ضمن بازی و سرگرمی، نه تنها مفاهیم مرتبط با احتمال

1. Foundation For Rural And Regional Renewal

2. <https://frrr.org.au/about-frrr>

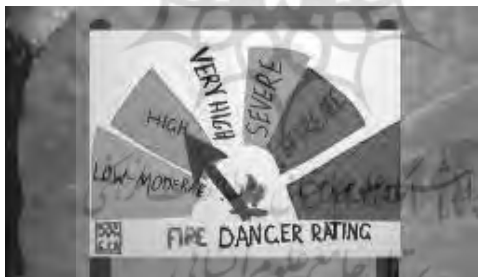
3. برای توضیحات کامل این پروژه به همراه فیلم، رک: https://creativerecovery.net.au/project_tag/claymation/

4. Low-Moderate

5. High

6. Extreme

آتش سوزی و اهمیت توجه به هشدارهای هواشناسی را آموخته‌اند؛ بلکه خود خالق آن بودند و این شیوه تأثیرگذاری آموزش را به شکل چشمگیری افزایش می‌دهد.



نقش «پروژه‌های هنرمحور» در ترمیم عاطفی آسیب‌دیدگان بحران‌های طبیعی ۱



تصویر ۹. پروژه آموزش توجه به علائم هشدار آب و هوا^۱

1. https://creativerecovery.net.au/project_tag/claymation

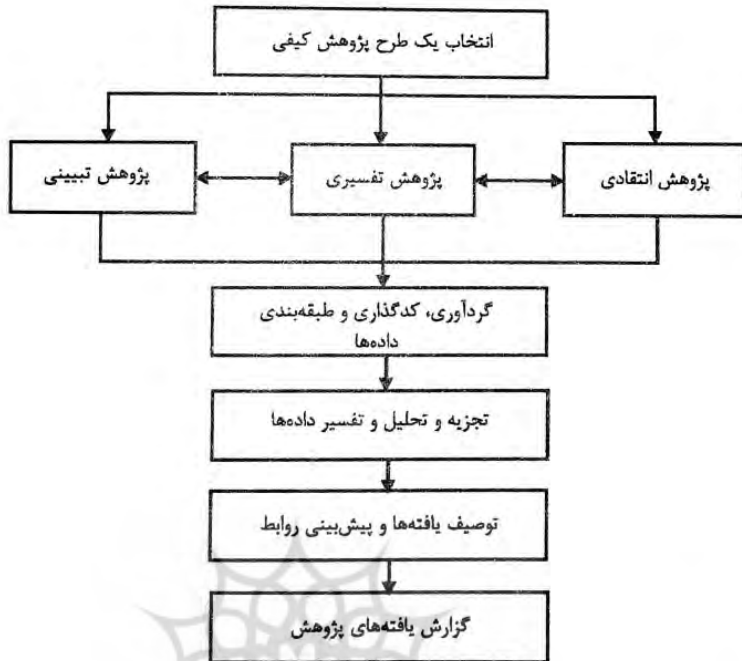
روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی است و به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته است. در پژوهش‌های کیفی، گوناگونی و تنوع رویکردها و روش‌ها بسیار است. مواردی چون تنوع نظریه‌ها و رویکردها، تفسیر دوباره موضوعات و نمونه‌ها، بهره‌گیری از متن به‌عنوان داده‌های تجربی و... این رویکرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این‌گونه پژوهش‌ها به‌منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم نظام‌مندانه صورت می‌گیرند. در واقع، قلمرو این نوع پژوهش‌ها را متون مکتوب، شفاهی و تصویری درباره موضوعی خاص تشکیل می‌دهند؛ نظیر کتاب‌ها، مقاله‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها، سخنرانی‌ها، تصاویر، تابلوها و فرم‌ها. محقق در چنین پژوهشی به دنبال تجزیه و تحلیل و توصیف مطالب است. در این روش، عناصر و مطالب مورد نظر گردآوری و طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل می‌شود. این روش در زمینه‌هایی همچون مطالعه تولیدات فرهنگی و هنری نظیر فیلم، موسیقی، تئاتر و نقاشی؛ تحلیل فرایندهای تأثیرگذاری؛ تحلیل راهبردها و مؤلفه‌های یک وضعیت مسئله‌ساز؛ تفسیرهای یک رویداد و... قابل استفاده است.

به‌طور کلی، راهبردهای پژوهش کیفی در سه سطح توصیف، تبیین و تفسیر شدنی هستند. این پژوهش در سطح تفسیر صورت گرفته است. یکی از مشخصه‌های اصلی پژوهش‌های تفسیری وجود درک و شناخت میان پژوهشگر و نمونه‌های پژوهش است که اساساً جزئی از پژوهش تفسیری محسوب می‌شود. پژوهش تفسیری چیزی فراتر از تشریح و توصیف ساده معانی، مفاهیم، نمادها، طرز تلقی افراد مورد مطالعه و... است و نقش بسیار مهمی نیز در پژوهش با رویکرد انتقادی ایفا می‌کند و درکی متفاوت را خلق می‌کند که برای تغییر نگرش به‌گونه‌ای مؤثر امری ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس، با روان‌کاوی فرویدی نیز مرتبط است (مک‌ناب،^۱ ۱۳۹۵: ۱۶۳-۱۶۸). در نمودار ۱، راهبردهای کیفی در فرایند پژوهش که در این مقاله نیز به کار رفته، نشان داده شده است.

1. David E. McNabb



نمودار ۱. راهبردهای کیفی در فرایند پژوهش (مک‌ناب، ۱۳۹۵: ۱۶۴)

در این پژوهش، نخست داده‌های مورد نظر از متون مکتوب استخراج و سپس کدگذاری و طبقه‌بندی شده است. پس از آن، داده‌های مذکور تجزیه و تحلیل و تفسیر شده و بعد از توصیف یافته‌ها و روابط موجود، نهایتاً یافته‌های پژوهش گزارش داده شده است. شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات از نوع کیفی و متکی به اسناد و مدارک و ادراک و تحلیل عقلانی است.

یافته‌های پژوهش

تحلیل روان‌شناختی پروژه‌ها و بررسی تناسب پروژه با بحران

در این بخش، نسبت پروژه با بحران و نیز ملاحظات روان‌شناختی پس از بحران تحلیل شده است. چنان‌که گفته شد، در اقلیم استرالیا یکی از زیان‌بارترین بحران‌های طبیعی در دهه‌های اخیر آتش‌سوزی شهرها و جنگل‌ها بوده است. لذا، پروژه‌های هنری نیز در پاسخ به همین نیاز اقلیمی طراحی و اجرا شده است.

پروژه معرفی‌کاری صندوق‌های نامه پس از آتش‌سوزی شنبه سیاه

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، از جمله اختلالات شایع پس از سانحه می‌توان به احساس انزوا و طردشدگی از اجتماع، افسردگی و ناامیدی اشاره کرد. در این پروژه، ساکنان محلی با شرکت در برنامه‌ای گروهی، ضمن آموختن مهارت هنری، فرصتی برای گرد هم آمدن و گفت‌وگو و سوگواری جمعی یافتند. یکی از مشکلات پیش‌آمده در این فاجعه آتش‌سوزی تعداد بالای کشته‌شدگان به نسبت آمار جمعیت منطقه بود؛ بنابراین، بخش کثیری از خانواده‌ها سوگوار بودند. از سوی دیگر، با از بین رفتن خانه‌ها در آتش‌سوزی، تنها ویرانه‌هایی سیاه و خاکستری از شهر باقی ماند. با اجرای این پروژه، افراد جامعه محلی توانستند در فرصت‌هایی مشخص و مستمر کنار هم جمع شوند و ضمن همدردی با یکدیگر و بازسازی مجدد روابط اجتماعی، فرصتی برای التیام آلام خود بیابند. علاوه بر این، ساخت این صندوق‌های نامه رنگین مجدداً رنگ و نشاط را به منظره سیاه و خاکستری شهر بازگرداند. به گفته اوکلی، نامه‌ها از طریق صندوق‌های نامه در جامعه ردوبدل می‌شوند و در نتیجه، ارتباطی صمیمانه میان سازندگان این صندوق‌های نامه و ساکنان محلی که این صندوق‌ها را هدیه گرفته‌اند شکل می‌گیرد (Lisa, 2014). در واقع، ساکنان محلی جامعه، با شرکت در ساخت ۶۰ صندوق نامه، برای احیای مجدد منطقه تلاش کردند و نصب صندوق‌ها در محل خانه‌های جدیدی که باید در شهر ساخته می‌شد همانند این بود که افراد به شکلی نمادین خانه‌های خود را دوباره بسازند و این موضوع موجب افزایش امید و خوش‌بینی و بازگشت دوباره افراد به زندگی و جامعه شد. مقایسه تصاویر ۲ و ۳ که در تصویر بعد در کنار هم نشان داده شده‌اند، تفاوت روحیه شهر پیش و پس از اجرای پروژه را به خوبی نشان می‌دهد. سمت چپ تصویری خاکستری و بی‌رنگ و دل‌مرده است و سمت راست مسیری سرشار از رنگ و نشاط که نمایانگر بازگشت امید و سرزندگی به شهر است.



مقایسه تصاویر ۲ و ۳. صندوق‌های نامه در شهر استراتون پیش و پس از پروژه معرق‌کاری

پروژه موسیقی «Pans on Fire» و «Hot Pans»

یکی از مهم‌ترین ابزارهای هنری در درمان اختلالات پس از سانحه (شامل افسردگی، انزواگزینی و استرس) موسیقی‌درمانی است. در این فرایند، همچون سایر روندهای هنردرمانی، نیازی نیست که درمان‌جو به هنر موردنظر (در اینجا موسیقی) تسلط یا حتی آشنایی داشته باشد؛ آنچه مهم است شرکت او در فرایندی گروهی به‌منظور آشنایی و کسب مهارتی جدید و برقراری رابطه با دیگران و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موسیقی در افزایش نشاط جمعی و کاهش افسردگی و اضطراب است. در پروژه موسیقی «Pans on Fire»، برگزارکنندگان این پروژه به‌خوبی، با آگاهی از این قابلیت‌های موسیقی و با استفاده از حداقل امکانات (برای مثال، ساخت ابزار موسیقی با استفاده از بشکه‌های خالی)، فرصتی را فراهم آوردند

که افراد جامعه آسیب‌دیده دهکده مریسویل از آتش‌سوزی شنبه سیاه را، به بهانه یادگیری نواختن ساز و تشکیل گروهی از نوازندگان محلی، در جلساتی منظم و مستمر در کنار هم جمع کنند. این استمرار و نظم در تمام برنامه‌های هنردرمانی نقشی اساسی در بازسازی عاطفی افراد دارد. افراد شرکت‌کننده در این پروژه، با اشتغال به نواختن موسیقی، دقایقی را با شادی سپری کردند و در عین حال، امکانی فراهم آمد تا با دیگر ساکنان آسیب‌دیده محلی معاشرت و ارتباطی نزدیک برقرار کنند که این امر موجب برقراری مجدد پیوندهای اجتماعی و بازسازی جامعه محلی می‌شود. موسیقی همواره از قابلیت نشاط‌آفرینی برخوردار است. اجرای این پروژه موجب افزایش روحیه آسیب‌دیدگان شد. مقایسه تصاویر ۱ و ۵ در کنار هم به خوبی نشان‌دهنده تأثیر چشمگیر این فعالیت در بهبود روحیه و التیام آثار روانی و عاطفی جامعه محلی ساکن مریسویل پس از فاجعه است.



مقایسه تصاویر ۱ و ۵. تأثیر فعالیت گروه موسیقی بر روحیه ساکنان محلی

بر اساس جدول ۱، بررسی نتایج اجرای دو پروژه معرق‌کاری صندوق‌های نامه و برنامه‌های موسیقی گروه «استیل‌پن» در کاهش علائم اختلال استرس پس از سانحه نشان می‌دهد که این دو پروژه هنری، علاوه بر آنکه با افزایش روحیه امید در کاهش غم، غصه، افسردگی، ناامیدی و یأس مؤثر بوده‌اند، از طریق آموزش مهارت هنری (معرق‌کاری یا موسیقی) که مستلزم تمرکز حواس است، با مشکل در تمرکز حواس و از دست رفتن حافظه مقابله کرده‌اند. آموختن مهارت‌ها (اعم از هنری یا غیرهنری) موجب افزایش احساس مفید بودن و کاهش حس درماندگی و ناکارآمدی نیز می‌شود. علاوه بر این موارد، فراهم آوردن امکان تعامل اجتماعی موجب کاهش انزواگزینی و احساس ترک شدن از سوی جامعه می‌شود.

پروژه ساخت بناهای یادبود

یکی از مهم‌ترین مراحل روانی پس از وقوع فاجعه و از دست دادن عزیزان فراهم آمدن امکان سوگواری مناسب برای بازماندگان حادثه است که موجب تخلیه عاطفی و روانی می‌شود و آنان را در پذیرش فاجعه رخ داده یاری می‌رساند؛ اما در برخی از فجایع، این امکان میسر نمی‌شود و به‌ویژه در حوادثی که اجساد قربانیان بسیاری مفقود می‌شود و امکان خاک‌سپاری و برگزاری مراسم سوگواری برای بازماندگان وجود ندارد، این مسئله می‌تواند به بحران‌های عاطفی و روانی طولانی‌مدتی در سطح جامعه منجر شود. فاجعه آتش‌سوزی شنبه سیاه در استرالیا یکی از این حوادث بود که هم تعداد کشته‌شدگان زیاد بود و هم اجساد برخی از قربانیان هرگز پیدا نشد و افراد بازمانده فرصتی برای سوگواری نیافتند. در نتیجه وقوع این بحران، دولت استرالیا بودجه زیادی را برای ساخت بناهای یادبود اختصاص داد که نشان از اهمیت فرایند سوگواری و التیام‌بخشی به بازماندگان حادثه بود تا روند بهبود روانی و بازگشت آنان به جامعه تسریع شود. تصاویر ۷ و ۸ به خوبی نشان‌دهنده اهمیت این پروژه برای ساکنان جامعه محلی است. «درخت آهنگران» (که به شکل درخت اکالیپتوس فلزی ساخته شده)، «پارک یادبود درگذشتگان» و دیوار «ردس‌دیل» سه نمونه از مهم‌ترین این پروژه‌ها بود که علاوه بر زنده نگه داشتن خاطره قربانیان حادثه، ساخت آن به‌گونه‌ای نمادین نشانی از بازسازی مجدد جامعه بود و موجب تقویت روحیه سازندگی و امید به آینده در ساکنان محلی شد.

اکالیپتوس^۱ یکی از درختان مهم بومی استرالیا است که جنگل‌های انبوهی تشکیل می‌دهد و ارتفاع آن از ۳۰ میلی‌متر به ۱۴۵ متر و محیط تنه آن به ۲۵ متر می‌رسد. به همین

1. Eucalyptus

علت، این درخت به نوعی نمادی از استرالیا نیز به شمار می آید. همان طور که در تصویر سمت راست دیده می شود، روی برگ این درخت نوشته شده: «شما در قلب و یاد ما زنده هستید.» بنابراین، بناهای یادبود، ضمن زنده نگه داشتن یاد درگذشتگان، نمادی از بازآفرینی و بازسازی مجدد جامعه هستند و موجب ایجاد امید و روحیه در ساکنان محلی می شوند.



تصاویر ۷ و ۸. دو نمونه از بناهای یادبود درگذشتگان در استرالیا

همچنین حک کردن نام قربانیان بر سنگ فرش های پارک یادبود درگذشتگان در شهر استراتون (تصویر سمت چپ)، همچون سنگ مزاری نمادین، با هدف کاهش آلام بازماندگان حادثه صورت گرفت که فرصتی برای سوگواری یا خاک سپاری و تهیه سنگ مزار برای عزیزانشان نداشتند تا ضمن زنده نگه داشتن یاد درگذشتگان حادثه، فرصتی برای سوگواری بازماندگان و همدردی سایر اعضای جامعه فراهم آید.

دیوار یادبود «ردسدیل» نیز که با همراهی ساکنان محلی و با استفاده از اجسام و مواد

ویرانه‌های باقی‌مانده از آتش‌سوزی ساخته شد، علاوه بر فراهم‌آوردن امکان سوگواری گروهی، با مشارکت دادن اعضای جامعه محلی در پروژه‌ای خلاق، فضایی را برای برقراری مجدد تعاملات اجتماعی و یادگیری مهارتی جدید فراهم کرد.

در مجموع، این بناهای یادبود فرصتی برای بازماندگان فراهم آورد تا بتوانند غم، افسردگی و ناامیدی خود را بروز دهند و با سوگواری احساس شرم، خشم و اندوهی را که از ناتوانی در خاک‌سپاری عزیزانشان داشتند کاهش دهند و از فوران ناگهانی هیجان که از دیگر اختلالات رایج پس از سانحه است، جلوگیری کنند. ضمن اینکه با شرکت در یک کار گروهی، احساس انزوا و طردشدگی جای خود را به تعامل سازنده اجتماعی می‌دهد.

پروژه آموزش هشدارهای آتش‌سوزی در استراتون

کودکان آسیب‌پذیرترین گروه در میان دسته‌بندی قربانیان حوادث طبیعی هستند که حتی تا سال‌ها بعد شوک ناشی از این حوادث و اختلالات پس از سانحه، همچون اضطراب و استرس را با خود به همراه دارند. وقوع حوادث متعدد آتش‌سوزی در مناطق مختلف استرالیا آسیب‌های روحی سنگینی به کودکان این کشور وارد کرده است. در این میان، آموزش نحوه مواجهه صحیح با بحران، به‌گونه‌ای که موجب افزایش نگرانی و تشویش کودکان نشود، از اهمیتی ویژه برخوردار است.

پروژه «آموزش خلاق هشدارهای هواشناسی» در استراتون که به‌منظور مواجهه با بحران آتش‌سوزی اجرا شد، آموزش هشدارهای هواشناسی به‌منظور پیش‌بینی احتمال وقوع آتش‌سوزی و اقدامات لازم در هنگام وقوع این بحران طبیعی بود. این پروژه ساخت ویدئو انیمیشنی با استفاده از آثار کودکان بود. نکته مهم در این پروژه ارائه مفاهیم مهم آموزشی همچون شناخت علائم هشدارهای آموزشی و اقدامات ضروری به هنگام بحران به صورت بازی و همراه با تصاویر شاد و شعر و موسیقی است. به اعتقاد نظریه‌پردازان آموزشی، مفاهیم و مهارت‌ها از طریق روش‌های غیرمستقیم، همچون بازی و هنر، بسیار مؤثرتر و ماندگارتر از روش‌های مستقیم و نصیحت‌کننده و خشک انتقال داده می‌شود. در این پروژه، آگاهانه از این ظرفیت‌های هنری برای آموزش مفاهیم ضروری و کاستن از اضطراب، استرس، ترس و تنش ناشی از آن بهره گرفته شده است؛ چراکه، برای مثال، آموزش مفهوم هشدارهای آتش‌سوزی و اقدامات لازم به صورت خشک و رسمی می‌تواند با یادآوری خاطرات حادثه احساس تجربه مجدد همراه با اضطراب را به همراه داشته باشد و موجب افزایش استرس، آشفتگی و اضطراب کودکان شود؛ درحالی‌که ارائه این مفاهیم از طریق تصاویری با رنگ‌های شاد و چهره‌های خندان و همچنین از طریق بازی و تصاویر و عروسک‌هایی که خود کودکان در فرایند بازی ساخته‌اند نه تنها مفاهیم آموزشی

را به شکلی ماندگارتر به افراد، اعم از کودک و بزرگسال، ارائه می‌دهد؛ بلکه از عمق فاجعه و حجم تأثیرات منفی روانی آن می‌کاهد و با افزایش نقش‌کنشگری آسیب‌دیدگان، موجب می‌شود که احساس آسیب‌پذیری و درماندگی نداشته باشند و از قدرت روانی بالاتری در مواجهه با بحران و مدیریت آن برخوردار شوند و تجربه‌آزم‌گسیختگی و احساس فاصله‌گیری از واقعیت کاهش یابد. همچنین، این امر به افزایش قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی افراد در مواجهه با بحران منجر می‌شود. آموزش این مفاهیم در فرایندی شاد و همراه با بازی موجب می‌شود تا بحران، به جای خاطره‌ای ترسناک که به کابوس تبدیل شود و اجتناب از یادآوری حادثه، شکلی مأنوس به خود بگیرد و به افزایش سلامت روانی جامعه می‌انجامد. دو تصویر انتخاب شده از دو پروژه مختلف که در کنار هم نشان داده شده است (تصویر ۹) به خوبی فضای شاد و روحیه مثبت حاکم بر جلسات آموزشی خلاق در مواجهه با بحران را نشان می‌دهد.



تصویر ۹. استفاده از قابلیت نشاط‌آفرینی هنر در انتقال مفاهیم آموزشی در مواجهه با بحران

تصویر سمت چپ ضرورت ترک محل و تخلیه شهر در هنگام احتمال آتش‌سوزی را (که در حالت عادی، واقعه‌ای به شدت اضطراب‌آور است) در قالب یک نقاشی شاد با چهره‌هایی خندان نشان می‌دهد که موجب کاهش استرس کودکان می‌شود. در تصویر سمت راست، چهره

خندان یک آتش‌نشان در حالت آماده‌باش موجب کاهش ترس و جلب اعتماد کودکان می‌شود. به‌طورکلی، پروژه‌های اجراشده پس از بحران آتش‌سوزی در استرالیا را که در این مقاله بررسی شدند می‌توان بر اساس هدف در شش دسته تقسیم‌بندی کرد. این پروژه‌ها، با توجه به تأثیری که در کاهش علائم اختلال پس از سانحه دارند، کدگذاری و در جدول ۳ نشان داده شده‌اند.

جدول ۳. دسته‌بندی پروژه‌های صورت‌گرفته بر اساس هدف و تأثیر در کاهش علائم اختلال پس از سانحه (مأخذ: نگارنده)

هدف پروژه	تأثیر در کاهش علائم اختلال پس از سانحه
۱ آموزش مواجهه با بحران	احساس آسیب‌پذیری و درماندگی اضطراب، تنش، عصبانیت، نگرانی و به‌سادگی ترسیدن آشفته‌گی در خواب، بی‌خوابی، خواب بد دیدن، کابوس افکار مزاحم، خاطرات، احساس تجربهٔ مجدد همراه با اضطراب اجتناب از فکرکردن دربارهٔ یادآوری حادثه اشکال در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی تجربهٔ ازهم‌گسیختگی، احساس فاصله‌گیری از واقعیت
۲ فراهم آوردن امکان سوگواری و تخلیهٔ عاطفی و هیجانی	احساس ناکارآمدی (بابت ناتوانی در نجات عزیزان) شرم (از عدم امکان خاک‌سپاری یا برگزاری مراسم سوگواری برای عزیزان از دست‌رفته) غم، غصه، افسردگی، ناامیدی و یأس خشم یا فوران ناگهانی هیجان
۳ آموزش مهارت هنری	مشکل در تمرکز حواس از دست رفتن حافظه انزواگزینی احساس درماندگی احساس انزوا
۴ ایجاد نشاط و شادی آفرینی	غم، غصه، افسردگی ناامیدی و یأس انزواگزینی اضطراب، تنش احساس رها و ترک شدن از سوی دیگران
۵ ایجاد امید به بازسازی مجدد جامعه	ناامیدی و افکار مزاحم خاطرات ناگوار و احساس تجربهٔ مجدد همراه با اضطراب اجتناب از فکرکردن دربارهٔ یادآوری حادثه اشکال در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی تجربهٔ ازهم‌گسیختگی، احساس فاصله‌گیری از واقعیت

این پروژه‌ها، با توجه به هدف و در پاسخ به نیازهای روان‌شناختی پس از بحران، به تفکیک در جدول ۴ نشان داده شده‌اند.

جدول ۴. دسته‌بندی پروژه‌ها به تفکیک هدف (مأخذ: نگارنده)

	<p>پروژه هشدارهای هواشناسی</p>	<p>آموزش مواجهه با بحران</p>	<p>۱</p>
	<p>پروژه یادبود درگذشتگان</p>	<p>فراهم آوردن امکان سوگواری</p>	<p>۲</p>
 	<p>پروژه معرق‌کاری صندوق‌های نامه پروژه موسیقی «Pans on Fire»</p>	<p>آموزش مهارت هنری</p>	<p>۳</p>
	<p>پروژه موسیقی «Pans on Fire»</p>	<p>ایجاد نشاط و شادی آفرینی</p>	<p>۴</p>
	<p>پروژه معرق‌کاری صندوق‌های نامه</p>	<p>ایجاد امید به بازسازی مجدد جامعه</p>	<p>۵</p>
<p>تمامی پروژه‌های یادشده</p>	<p>تمامی پروژه‌های یادشده</p>	<p>کاهش انزوا و برقراری روابط اجتماعی</p>	<p>۶</p>

نقش «پروژه‌های هنرمحور» در ترمیم عاطفی آسیب‌دیدگان بحران‌های طبیعی ۱

این پروژه‌ها در پاسخ به نیازهای روان‌شناختی پس از بحران (همچون نیاز به سوگواری، ایجاد نشاط و افزایش روحیهٔ بازماندگان، بازسازی مجدد جامعه و برقراری دوبارهٔ روابط اجتماعی) و رفع اختلالات رایج پس از سانحه و همچنین در تناسب با بحرانی که به وقوع پیوسته طراحی و اجرا شده‌اند و به همین سبب، نقشی مؤثر در تسریع فرایند ترمیم عاطفی و بازگشت افراد آسیب‌دیده به جامعه داشته‌اند. در جدول ۵، نقش این پروژه‌ها با نیازهای عاطفی و روانی آسیب‌دیدگان حادثه و کاهش اختلالات پس از سانحه (که پیش‌تر در جدول ۱ به آن اشاره شد) نشان داده شده است.

جدول ۵. نقش پروژه‌های هنری اجراشده پس از بحران در استرالیا در کاهش علائم اختلالات پس از سانحه (مأخذ: نگارنده)

نام پروژه	نقش پروژه در کاهش اختلالات پس از سانحه (براساس جدول ارن‌ریش و هک‌گواید)
پروژهٔ معرق‌کاری صندوق‌های نامه پروژهٔ موسیقی «Pans on Fire»	غم، غصه، افسردگی، ناامیدی و یأس
	مشکل در تمرکز حواس، از دست رفتن حافظه
	انزواگزینی
	احساس آسیب‌پذیر بودن و درماندگی
	اضطراب، تنش
	احساس انزوا، رها و ترک شدن از سوی دیگران
پروژهٔ یادبود درگذشتگان	غم، غصه، افسردگی، ناامیدی و یأس
	تحریک‌پذیری، خصومت، خشم
	فوران ناگهانی هیجان
	اجتناب از فکرکردن دربارهٔ یادآوری حادثه
	احساس انزوا، رها و ترک شدن از سوی دیگران
	احساس ناکارآمدی، شرم
پروژهٔ هشدارهای هواشناسی	احساس آسیب‌پذیر بودن و درماندگی
	اضطراب، تنش، عصبانیت، نگرانی و به‌سادگی ترسیدن
	آشفته‌گی در خواب، بی‌خوابی، خواب بد دیدن، کابوس
	افکار مزاحم، خاطرات، احساس تجربهٔ مجدد همراه با اضطراب
	اجتناب از فکرکردن دربارهٔ یادآوری حادثه
	اشکال در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی
تجربهٔ ازهم‌گسیختگی، احساس فاصله‌گیری از واقعیت	

بحث و نتیجه‌گیری

وقوع بحران‌های طبیعی با تبعات روانی و اجتماعی منفی برای بازماندگان همراه است که ادامه زندگی آنان را با مشکلات جدی مواجه می‌کند و مداخلات اصولی به منظور ترمیم عاطفی و روانی بازماندگان را ضروری می‌کند. در این میان، بهره‌گیری از قابلیت‌های هنر نقشی مؤثر در کاستن از شدت آسیب‌های روانی وارد شده به جامعه دارد. هرچند مطالعات هنردرمانی در شکل امروزی آن را برای نخستین بار فروید مطرح کرد و در سالیان اخیر نیز رشد چشمگیری داشته است؛ اما مفهوم پروژه‌های هنرمحور مفهومی جدید است که در دو دهه اخیر مطرح شده و برخلاف رویکرد سنتی که به استفاده از هنر در کاهش عوارض پس از سانحه محدود می‌شد، بر استفاده از ظرفیت‌های چندگانه هنر در مراحل مختلف پیش، هنگام و پس از وقوع بحران تأکید دارد.

در دو دهه اخیر، کشور استرالیا که سالانه با بحران‌های طبیعی متعددی مواجه است، با مدیریت منسجم ظرفیت‌های هنری پس از بروز حوادث طبیعی به نوعی سردمدار اجرای هدفمند و مستمر پروژه‌های هنرمحور در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از بحران‌های طبیعی بوده است که نتایج مطلوبی در پی داشته است. پژوهش پیش رو، با هدف کسب بینش جدید در زمینه بهره‌مندی از هنر در کاهش آسیب‌های ناشی از بحران‌های طبیعی به منظور بهره‌گیری در دیگر کشورها، به مطالعه پنج پروژه هنرمحور در مواجهه با بحران آتش‌سوزی در کشور استرالیا پرداخت که چهار مورد از آن‌ها به مداخله پس‌بحران با رویکرد کاهش آسیب‌های روحی و اجتماعی و یک نمونه از آن‌ها به مداخله پیش از بحران با رویکرد آموزش و کاهش اضطراب اختصاص داشت.

بر اساس مبانی نظری پژوهش، مداخله اصولی در جهت کمک به کاهش آسیب‌های روانی ناشی از بحران در مرحله چهارم از مراحل واکنش قربانیان به حادثه، یعنی مرحله بازیابی، میسر است. همچنین، با بهره‌گیری از دیدگاه‌های ارن ریش و هک‌گواید در خصوص اختلالات استرس پس از سانحه و با توصیف و تحلیل روان‌شناختی این پروژه‌ها، تلاش شد تا نقشی که هر پروژه در کاهش یا درمان هریک از نشانگان اختلال استرس پس از سانحه (شامل: غم، غصه، افسردگی، خشم، احساس انزوا یا رهاشدگی، اضطراب و...) ایفا کرده است و تأثیرات ملموس آن بر اساس داده‌های موجود در گزارش‌های مطالعه شده استخراج و در قالب جداگانه ارائه شود.

نتایج پژوهش برای موارد دلالت دارد:

الف) پروژه‌های هنرمحور اجرا شده در این کشور از نظر هدف به شش دسته تقسیم‌بندی می‌شوند:

آموزش مواجهه با بحران؛ فراهم‌آوردن امکان سوگواری؛ آموزش مهارت هنری؛ ایجاد نشاط و شادی‌آفرینی؛ ایجاد امید به بازسازی مجدد جامعه؛ کاهش انزوا از طریق برقراری روابط اجتماعی.

ب) پروژه‌های هنرمحور اجرا شده در این کشور در کاهش این اختلالات پس از سانحه که به‌ویژه پس از بحران‌های طبیعی رایج‌اند، تأثیر چشمگیری داشته‌اند:

- غم، افسردگی، ناامیدی؛
- مشکل در تمرکز حواس؛
- از دست رفتن حافظه؛
- انزواگزینی؛
- احساس آسیب‌پذیر بودن و درماندگی؛
- اضطراب و تنش و به‌سادگی ترسیدن؛
- احساس رها و ترک شدن از سوی دیگران؛
- تحریک‌پذیری؛
- خصومت، خشم، فوران ناگهانی هیجان؛
- اجتناب از فکرکردن درباره‌ی یادآوری حادثه؛
- احساس ناکارآمدی، شرم؛
- اشکال در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و تجربه‌ی ازهم‌گسیختگی؛
- احساس فاصله‌گیری از واقعیت.

توجه نظام‌مند به نقش هنر در تمامی مراحل فرایند مواجهه با بحران در سطوح مختلف سیستم کلان مدیریت بلایای کشور در استرالیا و مدیریت روابط نهادهای دولتی و غیردولتی در طراحی و اجرای برنامه‌های هنری پس از وقوع بحران و طراحی برنامه‌های هنری متناسب با بحرانی که به وقوع پیوسته (در اینجا آتش‌سوزی) و با توجه به ظرفیت‌های مختلف هنری در تناسب با بحران‌های مختلف نقشی چشمگیر در کاستن آسیب‌های روانی ناشی از بحران‌های طبیعی و ترمیم عاطفی بازماندگان حوادث داشته است.

استمرار در اجرای این پروژه‌ها که برخی از آن‌ها چندین سال به طول انجامیده است، به کسب نتایج مطلوبی منجر شده که نهایتاً سلامت روانی جامعه را در پی خواهد داشت. از دیگر نکات مهم درمورد تجارب استرالیا توجه به تمامی گروه‌های سنی و جنسی

در اجرای برنامه‌های هنرمحور است؛ به گونه‌ای که تقریباً هیچ‌یک از گروه‌های جامعه اعم از کودکان، بزرگسالان، زنان (مادران) و سالمندان نادیده گرفته نشده‌اند و هر یک از برنامه‌های متعدد و متنوع هنری پاسخ‌گوی بخشی از این گروه‌ها بوده است.

همکاری فعال میان دولت، مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند پروژه‌های هنرمحور یکی دیگر از نکات مهم در تأثیرگذاری پروژه‌های هنرمحور در این کشور است. در بحران‌های دو دهه اخیر استرالیا، همکاری مستمری میان نهادهای دولتی و غیردولتی و حتی افراد و اشخاص در اجرای برنامه‌های هنری پسابحران وجود داشته است. این همکاری‌ها، به سبب مدیریت مناسب و سازمان‌یافته ذیل برنامه‌های سازمان شرایط اضطراری استرالیا، نه تنها به موازی‌کاری منجر نشده؛ بلکه به تعامل و تقویت همدیگر منتهی شده است.

در نهایت، می‌توان ادعا کرد که نظام‌مند کردن برنامه‌های هنری با پیشنهادها و توجیه‌ها در مواجهه با بحران و توجه نظام‌مند به نقش هنر در تمامی مراحل و در سطوح مختلف مدیریت بحران کشور و استفاده از مادیوم‌های مختلف هنری در تناسب با بحران، ضمن در نظر گرفتن تفاوت‌های سنی و جنسی تحت عنوان «پروژه‌های هنرمحور»، نقشی چشمگیر در کاستن آسیب‌های روانی ناشی از بحران‌های طبیعی و افزایش کارایی و تأثیرگذاری برنامه‌های هنری در ترمیم آسیب‌های روحی قربانیان حوادث طبیعی خواهد داشت. قدر مسلم، توجه به اقلیم و فرهنگ هر منطقه و برنامه‌ریزی ویژه متناسب با آن جامعه در طراحی و کاربرد برنامه‌های هنری پسابحران ضروری است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

منابع و مأخذ

- باقری یزدی، سید عباس و سید فرید براتی (۱۳۸۲). **مقابله با بلایا**. تهران: انتشارات مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی همدان.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). **مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی**. تهران: سمت.
- دیوان‌پور، محمدرضا (۱۳۹۵). «اهمیت و جایگاه چارچوب نظری در پژوهش‌های علوم انسانی». **ششمین کنفرانس ملی مدیریت اقتصاد**، تبریز. بازیابی شده در: <https://civilica.com/doc/599954>
- شریفی، رضا (۱۳۸۲). «آسیب‌های روانی اجتماعی ناشی از بلایای طبیعی و نقش فرهنگی بسیج در مقابله با آن». **فصلنامه مطالعات بسیج**، شماره ۲۰-۲۱: ۴۷-۷۵.
- عبداللهی، علی (۱۳۹۴). **معماری مقوایی، گستره‌ای از کارتن‌خوابی تا اسکان پس از بحران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع).
- عینعلی، سعیدرضا، وحید عینعلی، امیر عسکری و سید عباس باقری یزدی (۱۳۹۵). «اثر بخشی آموزش حمایت‌های روانی اجتماعی بر سلامت روان آسیب‌دیدگان ناشی از بلایا». **دومین همایش ملی آتش‌نشانی و ایمنی شهری**. بازیابی شده در: <https://civilica.com/doc/690444/>
- کریمی صحنه‌سرابی، لادن (۱۳۹۴). «مدیریت بلایای طبیعی در ایالت کوئینزلند استرالیا». **ماهنامه تخصصی ایمنی، بهداشت و محیط زیست**. بازیابی شده در: <http://www.safetymessage.com/education/risk-management-2/567-2013-12-30-08-01-10>
- محبی‌فر، رفعت و سعید آصف‌زاده (۱۳۸۶). «نقدهی بر ساختار دولتی مقابله با بلایای طبیعی کشور ایران: تحقیق در سیستم بهداشت و درمان». **فصلنامه پژوهش در پزشکی**، شماره ۳: ۱۹۹-۱۹۵.
- مک‌ناب، دیوید (۱۳۹۵). **روش‌های تحقیق کمی و کیفی**. ترجمه رضا واعظی و محمدصادق آزمندیان. تهران: نشر صفار.
- یعقوبی گرجی، ایوب (۱۳۹۰). **بررسی نقش گرافیک در شرایط بحرانی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- Adnams Jones, S. (2018). *Art-Making with Refugees and Survivors: Creative and Transformative Responses to Trauma after Natural Disasters, War and Other Crises*. London: Jessica Kingsley Publishers.
- Fisher, N. (2019). 'The power of the arts in disaster recovery'. Retrieved from: <http://nsfconsulting.com.au>
- Levine, E. G. (2011). *Art in Action: Expressive Arts Therapy and Social Change*. London: Jessica Kingsley Publishers.
- Lisa (2014). 'The Strathewen Mosaic Letter Boxes and The Beautiful Memorial Tree'.

Retrieved from: <http://brokenplatemosaicbeltbuckles.com.au/tag/strathewen-mosaic-letter-box-project>

Mohr, E. (2014). 'Posttraumatic Growth in Youth Survivors of a Disaster: An Arts-Based Research Project'. **Art Therapy**, 31 (4), 155-162.

Mutch, C. & Latai, L. (2019). 'Creativity beyond the formal curriculum: arts-based interventions in post-disaster trauma settings'. **Pastoral Care in Education, International Journal of Personal, Social and Emotional development**, 37 (3), 230-256.

Orr, P. (2007). 'Art therapy with children after a disaster'. *The Arts in Psychotherapy*, 34 (4), 350-361.

Spayde, J. (2012). 'How Artists Help Communities Heal After Disasters'. **Public Art Review**, 48. Retrieved from: <https://forecastpublicart.org/how-artists-help-communities-heal-after-disasters/>

